

اوضاع سیاسی و اجتماعی یثرب در آستانه هجرت پیامبر اسلام(ص)

رامین علیزاده

دانشجوی دکتری تاریخ اسلام، واحد یادگار امام خمینی(ره)، دانشگاه آزاد اسلامی، یادگار امام خمینی(ره)
شهری، ایران raminalizadeh2000321@gmail.com

مهدی گلجان (نویسنده مسئول)

استادیار گروه تاریخ، واحد یادگار امام خمینی(ره)، دانشگاه آزاد اسلامی، یادگار امام خمینی(ره)
شهری، ایران m.goljan12@gmail.com

مهدی انصاری

استادیار گروه تاریخ، واحد یادگار امام خمینی(ره)، دانشگاه آزاد اسلامی، یادگار امام خمینی(ره)

فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ (شاپا) ۲۰۰۸-۲۰۱۷ سال ۱۷ شماره ۶۴- صفحه ۲۵۵-۲۳۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱/۱۶ تاریخ پذیرش ۱۴۰۰/۶/۲۸

چکیده:

یثرب به علت دارا بودن شرایط جغرافیایی مطلوب، از موقعیت زندگی خوبی نسبت به شهرهای دیگرشبه جزیره عربستان برخوردار بوده است. با این حال رقابت طلبی بین قوم یهود و اوس و خزرج از یک سو و چالش های درونی بین اوس و خزرج از سوی دیگر، مردمان این سرزمین را با چالش های عمیق فکری، فرهنگی و سیاسی مواجه ساخته بود. از این روی، سالیان طولانی در حال نزاع و جنگ بودند. در چنین شرایطی، نیازمند تغییرات عمیق در ساختار سیاسی و اجتماعی یثرب بودند که بتوانند از شرایط موجود رها شده و بتوانند زندگی راحتی داشته باشند، امری که با هجرت رسول خدا(ع) محقق شد. سوال محوری پژوهش حاضر آن است که چه عواملی درونی منجر به دعوت مردم یثرب از پیامبر به هجرت بدان شهر گردید؟ فرضیه مطرح شده آن است که چالش های سیاسی برای کسب ریاست و آگاهی مردم یثرب به واسطه اخبار قوم یهود از بعثت نبی، از جمله علل دعوت مردم یثرب از رسول خدا بوده است. پژوهش حاضر با اتکا به منابع کتابخانه ای و روش توصیفی-تحلیلی سامان یافته است.

کلیدواژه: یثرب، اوس و خزرج، هجرت، سعد بن عباده

مقدمه

در سال یازدهم بعثت، گروهی از مردم یثرب به مکه آمدند و پس از شنیدن سخنان رسول خدا (صلی الله علیه و آله) مسلمان شدند. در سال بعد اینان در عقبه اول با رسول خدا بیعت کردند و سال بعد از آن هفتاد و دو مرد و زن یثربی در همان عقبه با پیامبر بر سر حمایت و حفظ جان آن حضرت بیعت کردند. از سوی دیگر، فشارهای قریش بر مسلمانان روز به روز بیش تر می شد و مکه دیگر محیط امنی برای ایشان نبود. به همین دلیل رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در سال سیزدهم بعثت، فرمان هجرت به یثرب را که پس از ورود ایشان به این شهر «مدینه النبی» نام گرفت صادر کردند. از این تاریخ یثرب به عنوان مرکز فعالیت های مسلمان انتخاب گردید. آنچه اهمیت دارد و باید مورد تاکید قرار گیرد آن است که یثرب از چه شرایط سیاسی و اجتماعی برخوردار بوده که ضمن استقبال و پذیرش از حضور پیامبر و همراهانش، خطرات مقابله و مواجهه با قریش را به جان خریدند.

وجه تسمیه یثرب

بطلمیوس از جغرافی دانان مشهور دو بار از شهر یثرب نام برده است، یک بار به نام آیاتریبه و بار دیگر به نام ای تریبا. استفان بیزانی از این شهر به نام آیاتریپاپولیس یاد کرده است (سالم، ۱۳۸۳: ص ۲۸). روایات تاریخی بسیاری درباره علت نام گذاری این شهر به نام ایثربه نقل شده که بسیاری از آنان شباهت زیادی به افسانه دارند. تاریخ نویسان دوره های گذشته از این شهر با نامهای اثرب و یثرب یاد کرده اند. دسته ای از مورخان بر این عقیده اند که یثرب مرکز مدینه بوده، این شهر از قنات تا جرف، و از المال که برناوی نامیده می شده تا زباله امتداد داشته است. و نیز نقل شده است که یثرب تنها قسمتی از ناحیه ای بوده که پس از هجرت رسول خدا (ص) «مدینه النبیها» به اختصار «مدینه» نامیده شده است (سمهودی، ۱۹۵۵: ص ۱۶۵) با این حال بعد از هجرت نیز گاه و بی گاه آن را یثرب نیز نامیده اند از جمله در قرآن آمده است که منافقین مدینه، شهر را به نام قدیمش (یعنی

یثرب) می نامیدند و نام جدید آن را پذیرا نبودند. آیات ۱۲ و ۱۳ سوره احزاب این گونه بیان می دارد که در جنگ احزاب، وقتی منافقان و افراد ضعیف الایمان، احزاب و گروههای مختلف کفار و جمعیت فراوان آنها را دیدند، گفتند: خدا و رسولش جز وعده های فریبنده دروغین به ما نداده اند و برخی از آنها می گفتند: ای مردم یثرب این میدان جای ماندن شما نیست، پس به خانه های خود بازگردید و گرنه همگی کشته می شوید (احزاب، ۱۱ و ۱۲). این در حالی بود که طبق آیه ۲۲ سوره احزاب وقتی مؤمنان احزاب و سپاهیان دشمن را دیدند، گفتند: این همان است که خدا و رسولش به ما وعده دادند و خدا و رسولش راست گفتند؛ و جز بر ایمان و تسلیم آنان نیفزود (احزاب/۲۲).

در شعری که به همسر عثمان نسبت داده می شود، و گفته شده که پس از مرگ وی سروده است از این شهر با نام یثرب یاد کرده است. در بعضی از اشعاری که متعلق به صحابه می باشد کلمه یثرب مورد استفاده قرار گرفته است. این منطقه قبل از ظهور اسلام به عنوان یک شهر متمرکز شناخته نمی شده است، بلکه در مجموع عبارت از واحه هایی بوده است که بعضی از آنها در سرزمین های هموار و برخی دیگر در ارتفاعات و یا بین شعاب قرار می گرفته اند. گروهی از تاریخ نویسان بر این باورند که نام یثرب برگرفته از ثرب به معنی فساد و یا از تثریب به معنی مواخذه به دلیل گناه است، و نوشته اند که پیامبر به دلیل کراهت از تثریب، از نامیدن این شهر به اسم یثرب نهی کرد و آن را طیبه و طابه نامید. گروهی دیگر ثرب را به معنی سرزمینی سنگیاد کرده اند که در اثر فعالیتی آتشفشانی سنگ های سفیدی بر جای گذاشته باشد. با توجه به این که اطراف یثرب را کوههایی احاطه کرده اند که از گدازه های آتشفشانی شکل گرفته اند. این نظریه که بثرب برگرفته از واژه ی رب باشد را تقویت می کند. برخی گفته اند که این شهر به دلیل انتساب به یثرب بن قانیه بن مهلائیل بن ارم بن عبیل بن عوص بن ارم بن سام بن نوح، بدین نام خوانده شده است و او نخستین کسی بود که هنگام پراکنده شدن خاندان نوح در این سرزمین فرود آمد. سپس یثرب به نام رئیس گروهی از عمالقه نامیده شده است، و آنان همواره محل فرود آمدن خویش را به نام های خود می نامیدند (ابن عبدالبر، ۱۹۹۲: ص ۱۴). مدتی بعد قبیله عبیل بن عوص بن ارم بن نوح آنان را از این

منطقه بیرون راندند و خود آنجا ساکن شدند، از آن پس این شهر به نام رئیس این قوم، یثرب بن قاینه بن مهلائیل یثرب نامیده شد. بر سنگ نوشته ای که در وادی عقیق یافت شد و ابن زباله به نوشته ی آن اشاره کرده: «انا عبدالله رسول الله سلیمان بن داود الی اهل یثرب» (سمهودی، همان: ج ۱، ص ۱۵۸): من بنده ی خدا فرستاد ی پروردگار سلیمان بن داود به سوی مردم یثرب هستم.

نام های یثرب

مورخین و جغرافی دانان اسامی بسیاری برای مدینه در کتاب های تاریخی خود نقل کرده اند. بنا بر آنچه در روایت های تاریخی آمده است، در تورات ده اسم از مدینه نام برده شده که عبارتند از: طیبه، طابه، مرحومه، مسکینه، عذراء، جابره، مجبوره، قاصمه و محبوبه. یاقوت حموی نیز در کتابش معجم البلدان ۲۹ نام از نام های این شهر، نقل کرده است که عبارتند از: طیبه، طابه، مسکینه، عذراء جابره، محببه، مجبوره، یثرب، ناجیه، موفیه، اکاله البلدان محفوفه، مسلمه، مجنه، قدسیه، عاصمه، مرزوقه، شافیه، خیره، محبوبه، مرحومه، جابره، مختاره، محرمه، غلبه، بیره، تندر، حسیبه، دار البرار، حسنه، دار الخیار، دارالیمان، دارالسنه، دار الهجره، قاصمه طباطبا(حموی، ۱۹۹۵: ج ۵، ص ۸۳). نام مدینه که پس از هجرت پیامبر، به یثرب اطلاق شده است مأخوذ از کلمه آرامی مدیتا به معنی قرق و شهر، خلاصه شده مدینه الرسول است. و نیز گفته شده است که این شهر با این نام در کهن و پیش از اسلام نیز معروف بوده است و این لفظ از کلمه ای مدیتا و یا مدیتو در زبان آرامی گرفته شده که خود به معنای مدینه در زبان عربی می باشد. همچنان که ممکن است مدینه پیش از هجرت به نام مدینه یثرب معروف بوده باشد، سپس برای اختصار آن را مدیتا یعنی مدینه نامیده باشند. به ویژه هنگامی که پیامبر از جایگاه هجرت مسلمانان آگاهیافت فرمود: انها مدینه یثرب (جواد علی، ۱۹۷۰: ج ۴، ص ۱۳۰)

موقعیت و محدوده جغرافیایی یثرب

شهر یثرب در شمال غربی شبه جزیره عربستان در دشتی هموار واقع است؛ طول جغرافیایی این شهر، ۳۹ درجه و ۵۹ دقیقه شرقی و عرض جغرافیایی آن از خط استواء ۲۴ درجه و ۵۷ دقیقه شمالی

است. این شهر از سطح دریا نیز ۵۹۷ تا ۶۳۹ متر فاصله دارد (جعفریان، ۱۳۸۶: ص ۱۷۵). آنگونه که در منابع تاریخی نوشته شده این شهر نصف مکه بوده که اطراف آن توسط باغ ها و نخلستان های بسیار پوشیده شده بود. در اینکهیترب ناحیه ای از مدینه بوده یا مدینه ناحیه ای از شرب بین علما اختلاف است. نکته دیگر اینکه از نظر شکل ظاهریترب شبیه مکه بوده است که نه دیواری داشت و نه بارویی؛ مردم هنگام هجوم دشمن، برای دفاع از خود به قلعه ها پناه می بردند (جواد علی، همان: ۱۳۱).

جغرافیای تاریخی یثرب (مدینه)

هنگامی که رسول خدا (ص) به علت افزایش آزار و اذیت قریش و ایستادگی و مقاومت آنان در برابر گسترش اسلام، تصمیم به هجرت گرفت، در این باره به یاران خود در مکه فرمود: جایگاه هجرت شما را دیدم. «آریت سبخه ذات نخل بین لابتین» میان آسمان و زمین نخلستان تفتیده ای به من نشان داده شد» (ابن کثیر، ۱۹۷۶: ج ۲، ص ۳۲۰). و نیز چنین فرمود: در خواب دیدم که از مکه به سوی سرزمینی که در آن درختان خرما وجود دارد هجرت می کنم، در آغاز چنین پنداشتم که آن سرزمینیمامه و یا هجر می باشد، لیکن پس از آن دانستم که آن سرزمین، شهر یثرب می باشد.

آنگونه که مورخان در منابع تاریخی نقل کرده اند، یثرب در گذشته از نظر داشتن حره های حاصلخیز و نخلستان های بسیار در بین اعراب دارای شهرت بوده است، و نیز پیامبر گرامی اسلام (ص) از این شهر به عنوان یکی از شهرهایی که کشاورزی در آن رونق داشته یاد کرده است. در آن روزگار یکی از شهرهای مهم حجاز، مدینه بوده است؛ به طوری که برخی از جغرافی دانان سرزمین های عرب، از یثرب به عنوان یکی از بخشهای اساسی جزیره العرب یاد کرده و گفته اند: جزیره العرب شامل یثرب، مکه، یمامه و یمن می باشد. یثرب شهری است که در نوار غربی و بر سرایشیبی دشت بسیار وسیع این بخش از جزیره العرب واقع شده است. بینیثرب و ینبع که در ساحل دریای سرخ قرار دارد فاصله ای در حدود ۲۷۵ کیلو متر می باشد. فاصله یثرب تا مکه که در جنوب واقع است حدودا ۵۰۰ کیلومتر است و دارای هوای دلپذیری می باشد و نیز در آن آب

جاری وجود داشت. مردم این شهر آب مورد نیاز خود را علاوه بر آبهای جاری و باران های فصلی از طریق حفر چاه ها تامین می کردند. با توجه به موقعیت جغرافیایی یثرب، این شهر در دشتی پهناور و باز قرار گرفته است که بخشی از آن را صحرا و بخش دیگر را کوهستان تشکیل می دهد که بیشتر این منطقه را شوره زارها پوشانده اند. قسمت جنوبی که شامل ارتفاعات می باشد، عالیه نامیده می شود و قسمت شمالی آن سافله نام دارد (سمهودی، همان: ج ۴، ص ۸۹).

دهکده ی قبا مهمترین دهکده ی عالیه به شمار می آید که در فاصله ای حدود ۳ کیلومتر قرار گرفته است. دو قبیله ی اوس و خزرج هنگام ورود به یثرب پیش از اسلام خانه های خود را در دهکده ی قبا بنا نمودند. پیامبر (ص) و نخستین مهاجران، پس از مهاجرت به یثرب، پیش از آن که به این شهر وارد شوند برای مدتی ابتدا در قبا ساکن شدند. نزدیکترین کوه به شهر، کوه احد است، در گذشته در دامنه این کوه چشمه آبی به نام «مهراس» وجود داشته که در روایات تاریخی آمده است که بخاطر جراحت های رسول خدا(ص) در واقع احد و غلبه تشنگی بر ایشان علی (ع) برای ایشان در سپر خود آب از مهراس آوردند؛ اما پیامبر (ص) آن آب را خوش نداشتند و از آن نوشیدند بلکه خون از چهره بشستند (واقعی، ۱۹۸۹: ج ۱، ص ۲۴۹).

کوه دیگر این شهر درضوی» نام دارد که در شمال یثرب واقع شده است و سلع کوهی میان یثرب و اکنون در میانه خانه ها محاصره شده است. کوه عیر در جنوب غربی آن قرار دارد. این کوه متشکل از دو کوه سرخ است که به داخل وادی العقیق نزدیکترند. نام یکی از آنها عبر الوردی و دیگری فعیر الصادره است (حموی، همان: ۱۷۲). در شرق یثرب بقیع الغرقد و در جنوب آن روستای قبا قرار دارد و در جنوب آن روستای فرعاست که بر سر راه ارتباطی مکه واقع شده است. وادی العقیق از مناطق سر سبز و پر نعمت یثرب است و در حدود ۴۰۵ کیلومتری غرب شهر قرار دارد. عقیق متشکل از چند دره است که بر اثر جریان میل به وجود آمده اند. یکی از آنها عقیق المدینه است که در نتیجهی جریان سیل و ایجاد شیار در حره ی شهر پدید آمده، و آن دره ی کوچکی است که چاه رومه در آن قرار دارد. چاه رومه در شمال غربی شهر یثرب در نزدیکی محل تلاقی سیلابها، در زمینی سخت و بدون زراعت واقع شده و از شهر تا آنجا یک ساعت راه است. این چاه در جاهلیت در

تملک یکیهودی بود. عثمان بن عفان آن را با مال خویش خرید، و در زمان پیامبر (ص) به عنوان صدقه در اختیار مسلمانان قرار داد (سمهودی، همان: ج ۳، ص ۱۳۶).

وادی العقیق از سمت جنوب غربی نیز یثرب را در میان گرفته است، اما از این سو فاصله آن تا شهر بسیار است و بعد از قبا و در شمال وادی النقیع واقع شده و جنگلهای متراکم آن را پوشانده است. دره های دیگر یثرب عبارتند از دره بطحان که در غرب یثرب واقع شده است و از میانهی مدینه و وسط خانه های آن عبور می کند. دره راتون که از کوه عیر در سمت قبله شروع پس از عبور از قبا به دره بطحان می پیوندد (همان: ج ۳، ص ۲۱۰)

درهمذنیب واقع در جنوب شرقی که از شعبه های بطحان است و وادی قناه که در شمال شرقی یثرب قرار دارد که آب آن از شرق سرازیر شده و همراه آبهای دشتهای دیگر در حوضچه ای معروف به الغابه جمع می شود (یعقوبی، ۱۹۵۷: ص ۷۲) وادیمهزور در جنوب شرقی شهر که از حره شرقی حره واقم می گذرد. در کتب تاریخی آمده است که طایفه بنی قریظهو برادرانشان بنی هذیل و عمر و پسران خزرج بن ضریح و از احفاد هارون بن عمران (ع) اولینهودیانی بودند که به «مهزوره وارد شدند و در این منطقه فرود آمدند، به دنبال ایشان نصیر بن نحام بن خزرج به این سرزمین آمده و در وادی های «مذینب» ساکن شدند و آنجا را سرزمین خویش ساختند (سمهودی، همان: ج ۳، ص ۲۱۲).

یثرب شهری است که در دو ناحیهی شرقی و غربی، گدازه های آتشفشانی که حاصل فعالیتهای آتشفشانی صورت گرفته در دوره های کهن می باشد آن را در بر گرفته اند؛ زیرا این شهر در نزدیکی از بزرگترین مراکز آتشفشانی جزیره العرب واقع گردیده است که بنا به گفته ی تاریخ نویسان این آتشفشان تا حدود سال ۱۲۶۶ م فعالیت بوده است. حاصل چندین ساله ی این فعالیت ها گدازه هایی است که به نام «دو حره معروف است. که عبارتند از حره واقم» در شرق و حره وبره در غرب. این دو حره به عنوان حفاظ شهر به شمار می آید. در جنوب نیز کمابیش این سنگها

دیده می شود. بدین ترتیب باید گفت تقریباً تنها ناحیه ای از مدینه که با زمین هموار به خارج از آن متصل می شود شمال آن است (جعفریان، ۱۳۸۳:ص ۴۵۸).

در میان حره نوبره سه تپه آتشفشانی به نام الجموات معروف می باشد. حاصلخیزترین منطقه یثرب حره واقم می باشد که از مشهورترین حره های سرزمین عرب است، مورخان آورده اند که نام این حره برگرفته از نام مردی از عمالیک به همین نام است. گروهی دیگر واقم را نام قلعه ای از قلعه های بنی اشهل دانسته و این حره را به آن نسبت داده اند. طوایف بنی اشهل، بنی ظفر و بنی معاویه از خاندان های اوس در حره ی واقم ساکن بودند. از آن جهت که قبایلهودی بنی قریظه و بنی نضیر نیز در آن اقامت گزیده بودند این حره را قریظه نیز نامیده اند. واقعه ی معروف حره در زمان یزید بن معاویه به سال ۶۳ هجری در همین مکان رخ داده است.

بین حره ی واقم و سافله یکی از بزرگترین روستاهای یثرب به نام روستای زهره واقع شده است که در آن ۲۰۰ زرگر اقامت داشتند به همین دلیل به حره ی زهره نیز مشهور گردیده است. در فاصله ی ۴،۵ کیلومتری غرب یثرب حره ی وبره یا بیاضه واقع گردیده که این حره از سمت غرب نیز به وادی العقیق مشرف بوده و نقطه ی آغازین حرکت به سوی مکه از این حره شروع می شود. هوا یثرب مانند مکه در تابستان گرم و در زمستان سرد است. مناطق مسکونی مدینه بیشتر عبارت از خانه های معمولی از سنگ، آجر و خشت بوده و احتمالاً در میان هر طایفه ای، بوژهیهودیان، علاوه بر خانه های معمولی، حصن ها و قلعه هایی نیز وجود داشته که به نام اطم شناخته می شود. این قلعه ها برای مواقع ضروری (جنگها) مورد استفاده قرار می گرفته است بعدها در طی تاریخ بخش اصلی مدینه که همان مناطق مسکونی اطراف مسجدالنبی بود، حصار داشته است (جعفریان، ۱۳۸۷:ص ۱۸۵).

بارش باران در این منطقه معمولاً باعث جاری شدن سیل می گردد. در زمان خلافت عثمان این عامل مدینه را در معرض ویرانی قرار داد، و عثمان دستور داد در نزدیکی چاه مدری ملی بسازند؛ تا مسجد پیامبر(ص) و مدینه از گزند سیل در امان بمانند. همچنین در سال ۱۵۶ هجری همزمان با

دوره ی خلافت ابوجعفر منصور این اتفاق تکرار شد که حاکم مدینه با کمک گرفتن از مردم مانع خسارت دیدن شهر شد. به طور معمول، هرچند بارش باران مدت زیادی دوام نمی آورد؛ اما در همین زمان کوتاه باران چنان شدید بر زمین می ریزد که منجر به سیل های عظیمی می شود. مدینه بر اساس گفته ی بلال زمین و با خیز بود. آنچه موجب شیوع وبا در شهر می شد آلودگی آبهای بطحان بود. مورخان در این باره اتفاق نظر دارند که به هنگام ورود پیامبر (ص) به یثرب، وبا در این شهر به شدت شیوع داشت. ابن اسحاق از هشام بن عروه نقل می کند که گفت: «وبای یثرب در دوره ی جاهلیت معروف بود» (ابن اسحاق، ۱۹۶۳: ص ۴۱). فراوانی آب و خاک حاصلخیز زمینی اشتغال ساکنان شهر به امر زراعت را فراهم آورده بود. زراعت یثرب عمدتاً متکی بر درختان خرما، جو، گندم و انواع میوه ها نظیر انگور، انار، موز، لیمو، هندوانه و سبزیجات بود. بسیاری از مردم یثرب از راه زراعت ثروت زیادی اندوخته بودند. مخیرقیهودی از جمله ساکنان یثرب بود که از طریق زراعت درختان خرما به ثروت بسیاری دست یافته بود (ابن هشام، ۱۴۳۱: ج ۲، ص ۱۶۴).

ساکنان یثرب

بر اساس گزارش های تاریخی عمالقه نخستین کسانی بودند که در مدینه به زراعت پرداخته، درختان خرما در آنجا کاشته، خانه ها و قلعه هایی ساختند. و کشتزارانی پدید آوردند. آنان فرزندان عملاق بن ارفخشذ بن سام بن نوح بودند. ابتدا از عمالقه، بنوهف، و سعد بن هفان، و بنو مطرویل، در مدینه سکونت گزیدند. (سمهودی، همان: ج ۱، ص ۱۱۰)

پس از آنها یهودیان به یثرب آمدند و در آنجا ساکن شدند. طبق گفته ی راویان اخبار علت اقامت آنان در یثرب آن بود که موسی بن عمران (علیه السلام) گروهی از آنان را به سوی عمالقه گسیل داشت. آنها با عمالقه جنگیدند و آنها را کشتند. و این نخستین سکونت یهود در حجاز و یثرب بود. (همانجا)

دکتر جوادعلی به دلیل فقدان سند این روایت، از پذیرفتن آن خودداری ورزیده است. (جواد علی، همان: ج ۴، ص ۱۸۲) اما بنی قریظه معتقد بودند که چون رومیان به شام تسلط یافتند، گروه

زیادی از بنی اسرائیل را به قتل رساندند. به همین سبب بنی قریظه، نصیر، و هذل، از شام گریخته و به حجاز آمدند تا نزد گروهی از بنی اسرائیل، که از قبل در آنجا اقامت داشتند، سکونت گزینند. چون آنان از شام دور شدند، پادشاه روم کسانی را جهت جست و جو و بازگرداندن آنها روانه ساخت. یهودیان فرستادگان وی را ناتوان یافتند و از بین بردند. (همانجا)

برخی از راویان، و ناقلان اخبار نوشته اند که علمای یهود اوصاف پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) و هجرت آن حضرت را، به شهری میان دو حره با درختان خرما، در تورات خوانده بودند و از آنجا که مشتاق پیروی از او بودند در پی یافتن نشانه های او از شام خارج شدند و به حجاز آمدند. چون به تیماء و بنا به قولی به مدینه، رسیدند که نخلستانهایی در آنجا بود نشانه های آن سرزمین را شناختند و گفتند: اینجا همان شهری است که ما در پی یافتن آن بودیم، و در آنجا فرود آمدند. (همانجا) دکتر جوادعلی به پذیرش روایت بنی قریظه تمایل نشان می دهد؛ زیرا که این روایت متضمن رگه هایی از حقیقت است. پس از آن به دنبال سیل عرم قبیله های اوس و خزرج به یثرب آمدند و در آنجا متوطن شدند. آنها فرزندان حارثه بن ثعلبه بن عمرو بن حارثه بن امرؤ القیس بن ثعلبه بن مازن بن ازد بودند و مادرشان قیله دختر ارقم بن عمرو بن جفنه، و به قولی، دختر هالک بن عذره از قبیله قضاعه، و به قول دیگر دختر کاهل بن عذره بن سعد بن زید بود. از همین رو اوس و خزرج «بنی قیله» نامیده شده اند. در عصر جاهلیت ساکنان یثرب به دو گروه اصلی تقسیم می شدند که عبارت بودند از یهود و عرب. (همان، ص ۱۱۸)

یهودیان

شورشهای یهودیان علیه رومیان در اورشلیم، منجر به پراکنده و رانده شدن آنها از فلسطین به وسیله ی رومیان، و ویرانی معبد آنان به دست تیتوس امپراتور روم در سال ۷۰ میلادی گردید. به دنبال آن گروه زیادی از یهودیان به جزیره العرب گریختند. برخی از آنان در مناطق حاصلخیز حجاز از جمله در یثرب، فدک، خیبر، وادی القری، و تیماء سکونت گزیدند و برخی دیگر در یمن متوطن شدند و گروهی از مردم آنجا را به پذیرش آیین یهود واداشتند. به هنگام مهاجرت یهودیان به یثرب،

چند گروه از یهودیان قدیم، از روزگاران گذشته به آنجا کوچیده، بر عمالقه ی ساکن آنجا سلطه یافته بودند. در سال ۷۰ میلادی جامعه ی یثرب متشکل بود از یهودیان قدیم، که به عمالقه ی یثرب غالب آمده بودند، و یهودیان جدیدی که سرزمینهای عرب را به عنوان پناهگاهی در مقابل آزار رومیان برگزیده بودند. آنها حاصلخیزترین مناطق جزیره العرب را جهت اقامت خود انتخاب کرده بودند. این مناطق عبارت بود از: وادی القری که دره ی حاصلخیز و پر آب و یکی از اقامتگاه هایی محسوب می شد که بر سر راه تجاری قدیم قرار گرفته بود که شام را به یمن متصل می ساخت؛ و منطقه ی آباد خیبر که منطقه ای حاصلخیز و دارای آبهای بسیار بود. هنگامی که اوس و خزرج به یثرب آمدند و در میان یهودیان یا در اطراف آنها ساکن شدند؛ یهودیان بیش از بیست قبیله بودند. ابن نجّار می گوید که آنان ۵۹ قلعه داشتند و عربهایی که پیش از اوس و خزرج در آنجا فرود آمده بودند تنها دارای ۱۳ قلعه بودند. (سمهودی، همان: ج ۱، ص ۱۱۶).

زمانی که اوس و خزرج به یثرب آمدند بقایای یهودیان آنجا عبارت بودند از: بنی قریظه، بنی نضیر، بنی محمحم، بنی زعورا، بنی قینقاع، بنی ثعلبه، اهل زهره، اهل زباله، اهل یثرب، بنی قصب، بنی فاعصه، بنی ماسکه، بنی قمعه، بنی زید- که آنان قبیله عبدالله بودند- بنی عکوه، بنی مرانه. (همان: ص ۱۱۳)

سه قبیله ی بنی قریظه، بنی نضیر، و بنی قینقاع بزرگترین قبایل یهود بودند که در یثرب زندگی می کردند، و در کنار آنها خاندانهای کوچک یهودی سکونت گزیده بودند. یهودیان از همسایگان عرب خود تأثیر پذیرفتند و به قبیله ها و خاندانهایی تقسیم شدند. آنان به زبان عربی سخن می گفتند اما عربی آنها با کلمات عبری آمیخته بود. (ولفسون: ۱۹۲۷: ص ۲۰) با این همه، آنان طبقه ای را تشکیل می دادند که از عربها متمایز بود. پیش از آمدن یهودیان نخستین به یثرب، تعدادی از قبیله های عرب، که نسب آنها به عمالقه می رسید، در آن شهر زندگی می کردند. یهودیان مهاجر به عربهای ساکن در یثرب غلبه یافتند و ریاست آنها را به عهده گرفتند. چون تعداد یهودیان مدینه، در پی مهاجرت آنان از اورشلیم پس از سال ۷۰ میلادی، فزونی یافت غلبه ی آنان بر یثرب و بر قبیله های عربی، که در آن شهر زندگی می کردند، مسلّم شد. ابن نجّار می نویسد که تعدادی از

خاندانهای عرب یمن، بلی، سلیم بن منصور بن عکرمه از قیس عیلان، و بقایای عمالقه، به همراه یهودیان در یثرب سکونت داشتند (شریف، همان: ص ۲۹۸).

پس از ویرانی سد مأرب، دو قبیله ی یمنی اوس و خزرج به یثرب کوچ کردند. بر اساس روایتی که از ناقلان اخبار نقل شده است، اوس و خزرج پسران حارثه بن ثعلبه بن عمرو بن عامر بن حارثه بن امرؤالقیس هستند که نسبش به ازدبن غوث بن مالک بن کهلان می رسد. قبایل اوس منسوبند به اوس بن حارثه بن ثعلبه العنقاء بن عمرو مزقیاء بن عامر ماء السماء بن حارثه الغطریف بن امرؤالقیس بطریق. اوس و خزرج در یثرب فرود آمدند و در کنار یهودیان اقامت گزیدند. در این زمان ثروتهای شهر، قلعه ها و نخلستانها و همچنین حکومت و قدرت در دست آنها متمرکز بود. اوس و خزرج از یهودیان درخواست کردند تا میان آنان پیمان حسن همجواری منعقد شود تا از تعرض یکدیگر مصون بمانند. آنان با همدیگر پیمان بستند و به مشارکت و داد و ستد پرداختند. (ابن حزم، ۱۹۴۸: ص ۳۱۲) اوس در جنوب و شرق سکونت گزیدند و خزرج در شمال غربی یثرب و در همسایگی قبیله ی یهودی بنی قینقاع ساکن شدند.

عرب: اوس و خزرج

همچنانکه پیش از این دیدیم مهاجران اوس و خزرج با یهودیان حاکم بر یثرب، که دارای نیرو و نفرت بسیاری بودند، پیمان حسن همجواری منعقد ساختند تا از تعرض به یکدیگر آسوده شده به وسیله ی این پیمان مانع دست اندازی دیگران شوند. اما طولی نکشید که این پیمان توسط بنی قریظه و بنی نضیر که از قدرت گیری اوس و خزرج هراسان شده بودند، شکسته شد. آمادگی برای جنگ از سوی یهودیان در حال تشدید بود که مالک بن عجلان برادر بنی سالم بن عوف بن خزرج از میان آنان ظهور کرد. (سمهودی، همان: ص ۱۲۶)

مالک برای بیرون آمدن از سیادت قوم یهود، به شخصی به نام فطیون، که زعامت یهود را بر عهده داشت. حمله برد و او را کشت و سپس از آنجا بیرون آمد و به سوی شام شتافت و به نزد ابوجبیله ی غسانی از پادشاهان غسان رفت. (ابن حزم، همان: ص ۳۳۶) البته گزارش های هم وجود

دارد که فردی را به سوی پادشاه غسان فرستاد و تقاضای کمک کرد. در هر صورت پادشاه غسان اوس و خزرج را با سپاهی یاری کرد. بدین سان یثرب در اختیار اوس و خزرج قرار گرفت. اوس و خزرج پس از پیروزی بر یهودیان یثرب مدت زمانی، یکدل و یکزبان و متحد باقی ماندند. پس از آن روابط دو هم پیمان به تیرگی گرایید و میان آنان اختلاف افتاد و سرانجام به جنگهای بسیاری منتهی شد که تا آستانه ی هجرت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) دوام یافت. نخستین این جنگها، جنگ «سمیر» بود و بعد از آن یوم السراة، یوم الدیک، یوم فارع، و یوم الفجار اول و دوم. آخرین جنگی که میان آنها رخ داد یوم بعثت بود. (ابن خلدون، همان، ج ۲، ص ۱۶۹)

این جنگ پنج سال پیش از هجرت روی داد. (سمهودی، همان، ص ۱۵۵) در ضمن این جنگها یکی از قبیله های عرب از یک قبیله ی یهودی در برابر دشمن هم نژاد خود درخواست کمک کرد و با آن پیمان اتحاد منعقد ساخت. به نظر می رسد که یهودیان یثرب در دامن زدن به اختلافات داخلی عرب دخالت داشتند و در جهت درهم شکستن وحدت آنان می کوشیدند تا از این طریق بر آنان تسلط یابند و بار دیگر سیادت خود را بر یثرب تجدید نمایند. (شریف، همان، ص ۳۳۸) در همه ی جنگهایی که پیش از جنگ بعثت رخ داده بود قبیله ی خزرج بر اوس پیروز شده بود. چون خزرجیان خود را پیروزمند یافتند در اشعار خود بر اوس فخر می فروختند. جنگهایی که میان دو قبیله ی عرب در یثرب رخ داد ریشه در عوامل اقتصادی و سیاسی داشت. وقوع جنگ میان آنها خسارت فراوانی بر جان و مال و املاک آنان وارد ساخته بود. از این رو، آنها درصدد برقراری صلح در یثرب برآمدند و بر آن شدند تا یکی از میان خود به عنوان امیر و رئیس برگزینند. به نظر می رسد که آنان در این باره به توافق نهایی نیز دست یافته بودند. در این زمان، بزرگِ خزرج عبدالله بن ابی بن سلول عوفی بود و زعامت اوس را نیز ابو عامر عبد عمر بن صیفی بن نعمان، یکی از افراد بنی ضبیعه بن زید، به عهده داشت. این دو رئیس قبیله علی رغم شرف و بزرگیشان به هنگام ظهور اسلام تیره بخت شدند. قوم عبدالله بن ابی بن سلول مشغول به رشته کشیدن جواهر بودند تا افسر شاهی بر سر وی بگذارند و او را امیر و فرمانروای خود کنند که خدا پیامبر خود را بر آنان فرستاد. چون قوم او از وی روی برگرداندند و به اسلام گرویدند، از بر باد رفتن فرمانرواییش توسط پیامبر

(صلی الله علیه و آله و سلم) گرفتار خشم و کینه شد و هنگامی که دید مردمش جز اسلام به چیزی تن در نمی دهند، برخلاف میل خود اسلام را پذیرفت؛ در حالی که همچنان بر نفاق و کینه خود اصرار می ورزید(ابن هشام، همان:ج ۲، ص ۲۳۴-۲۳۵)

اما ابو عامر بن عبد عمرو بن صیفی، هنگامی که مردمش به اسلام گرویدند، همچنان بر کفر و جدایی از مردم پای فشرد، و به همراه بیست و چند تن از مردان قبیله ی خود از اسلام و پیامبر دوری گزیده راهی مکه شد و تا زمان فتح مکه در آنجا اقامت کرد. او در این هنگام مکه را به قصد طائف ترک گفت و چون مردم طائف به آیین اسلام درآمدند، به شام رفت، و در تبعید و تنهایی و غربت، در آن دیار چشم از جهان فرو بست(همانجا)

ورود اسلام به شهر یثرب

آشنایی اهل یثرب با پیامبر: با رحلت حضرت خدیجه و ابوطالب در حدود سه سال قبل از هجرت(عام الحزن) که هر دو به لحاظ مادی و معنوی و به خصوص نفوذ ابوطالب در بین قریش، پشتیبان قوی برای رسول خدا(ص) به شمار می آمدند، عملکرد بازدارنده مشرکین در برابر حضرت محمد(ص) وارد مرحله جدیدی شد. پیامبر(ص) با استفاده از هر فرصت به ویژه موسم حج که قبایل از مناطق مختلف برای انجام مناسک حج به مکه می آمدند، استفاده کرده و مردم را به اسلام دعوت می نمودند؛ هرچند موانع و مشکلاتی که از سوی مشرکان مکه ایجاد می شد را نیز باید در نظر داشت. بنابر نقلی «ایاس ابن معاذ» از قبیله اوس که در رأس یک گروه برای هم پیمانی با قریش بر ضد قبیله خزرج که نتیجه آن «جنگ بعثت» بود، در زمره اولین یثربیان است که با وجود نهی همراهانش به پیامبر(ص) ایمان آورد.(ابن هشام، همان:ص ۴۲۸) در برخی منابع نام «اسعد ابن زراره» و «ذکوان ابن عبد قیس» به عنوان اولین مسلمانان ذکر شده است(ابن سعد، ۱۴۱۸:ص ۱۶۹ و ۱۷۰).

همچنین پیامبر(ص) با گروه شش نفره ای(همان:ص ۴۳۰). از طوایف مختلف قبیله خزرج در جمره عقبه در منی(حموی، همان:ج ۴، ص ۱۳۴) ملاقات نمودند. پس از دعوت آنان به پرستش خداوند، پیام اسلام را بر آنان عرضه داشته و قرآن تلاوت فرمودند. این امر باعث شد خزرجیان

ضمن ایمان آوردن متعهد شوند به تبلیغ این آیین جدید در بین قوم خود نیز بپردازند. پس از بازگشت، جریان ملاقات با پیامبر(ص) را به اطلاع یثربیان رسانده و مردم را به اسلام دعوت نمودند(ابن هشام، همان:ص ۴۳۰) اطلاع ضمنی اوس و خزرج از ظهور یک پیامبر از زمان‌های پیشین عامل مهمی در گرایش آنان به اسلام به شمار می‌آید. اهل یثرب که عمدتاً بت پرست بودند، از یهودیانی که در جوار آنان می‌زیستند، شنیده بودند، رسولی مبعوث خواهد شد که با کمک وی اوس و خزرج را نابود خواهند کرد. زمانی که پیامبر(ص) اسلام را بر خزرجیان عرضه داشت، تعدادی از آنان اذعان داشتند، این همان پیامبری است که یهود وعده داده بود. ثابت شدن راستی دعوت پیامبر(ص) از یک سو و تهدید یهود از سوی دیگر، آنان را بر آن داشت که به سرعت و پیش از ایمان یهود، اسلام آورند(همان:ص ۴۲۹) همچنین وجود دشمنی و نبرد در بین اهل یثرب این امید را در بین خزرجیان ایجاد کرد که ایمان به دین اسلام، انگیزه مهمی برای رفع اختلافات و بهترین گزینه برای ایجاد وحدت خواهد بود(ابن سعد، همان:ص ۱۷۰)

الف. عقبه اول

در سال بعد، دوازدهم بعثت، دوازده نفر از اهل یثرب که ده نفر آنان از خزرج و دو نفر از اوس(ابن هشام، همان:ص ۴۳۱) و به نقلی دیگر نُه نفر از خزرج و سه نفر از اوس بودند با پیامبر(ص) در عقبه ملاقات نموده و با ایشان بیعت نمودند(مقریزی، ۱۴۳۲: ص ۳۳). درباره تعداد پیمان‌هایی که در عقبه بین اهل یثرب و مسلمانان صورت گرفت، نظر مشهور انعقاد دو بیعت می‌باشد؛ لیکن برخی مورخین اولین دیدار دسته شش نفری خزرجیان را نخستین بیعت دانسته و بیعت‌های سال دوازدهم و سیزدهم را به ترتیب پیمان عقبه دوم و سوم ذکر کرده‌اند(ابن عبدالبر، همان:ص ۴۰)

این پیمان از جهت محل برگزاری و به همراه داشتن پیمانی دیگر در سال بعد به عقبه اول مشهور گشت. همچنین آن را «بیعه النساء» نیز خوانده‌اند(طبری، ۱۳۸۷: ج ۲، ص ۳۵۵). آن چنان که در ذیل مشاهده می‌شود در این بیعت هیچ زنی شرکت نداشت، لیکن از آن جهت که تا بدان روز پیامبر(ص)

مأمور به جنگ با کفار نشده و در پیمان، همانند بیعت با زنان شرط جنگ وجود نداشت، بدین نام نیز مشهور شد(جعفر مرتضی، ۱۴۱۵: ج ۱، ص ۱۹۹)

تعداد ده نفر از بیعت کنندگان با نام‌های «اسعد ابن زراره»، «عوف» و «معاذ» پسران حارث ابن رفاعه، «رافع ابن مالک»، «ذکوان ابن عبد قیس»، «عباده ابن صامت» (یا جابر ابن عبدالله) ابن عبدالبر، همان: ص ۳۸ و «ابو عبدالرحمن یزید ابن ثعلبه»، «عباس ابن عباده»، «عقبه ابن عامر»، «قطبه ابن عام» از خزرجیان و دو نفر با نام‌های «ابو الهیثم ابن تیهان» (مالک) و «عویم ابن ساعده» از اوس بودند(ابن هشام، همان: ص ۴۳۳). مقریزی براء ابن معرور را نفر سوم اوسیان ذکر می‌کند(مقریزی، همان: ص ۳۳) این بیعت که پیش از نزول آیات جهاد با مشرکین نازل شد. مبتنی بر این مسائل بود:

- برای خدا شریکی قائل نشوند؛

- دزدی نکنند؛

- مرتکب زنا نشوند؛

- فرزندان خود را نکشند؛

- بهتان نزنند؛

- در کارهای نیک نافرمانی رسول خدا(ص) را نکنند.

در پایان بیعت نیز آمده است که نتیجه وفاداری به این پیمان بهشت است و در غیر این صورت امر شما با خدا می‌باشد؛ چنانچه بخواهد کیفر کند و چنانچه بخواهد بیامرزد؛ اما در نقل دیگر مطلب بدین صورت آمده است که اگر وفا نکردید، چنانچه حد آن عمل در دنیا بر شما جاری شد، همان حد کفاره آن گناه باشد و چنانچه پنهان ماند و تا پایان عمر معلوم نشد با خداست که عذاب کند یا بیامرزد(طبری، همان: ص ۳۵۶) به دنبال این پیمان، پیامبر، مصعب بن عمیر را به عنوان نماینده خویش برای آموزش قرآن به یثرب فرستاد(ابن هشام، همان: ص ۴۳۴).

ب. پیمان عقبه دوم

بعد از عقبه اولی، اسلام میان اهل یثرب گسترش یافت، سال بعد، مصعب بن عمیر همراه گروهی از مسلمانان یثرب برای دیدار با پیامبر(ص) به مکه آمدند، گروهی نیز که هنوز ایمان نیاورده بودند، با ایشان همراه گشتند. اینان با رسول خدا(ص) وعده گذاردند که در اواسط ایام التشریق و در عقبه با یکدیگر ملاقات کنند. آن شب، آهسته و پنهانی، بی آنکه کافران، آگاه شوند، به عقبه آمدند(ابن خلدون، ۱۳۶۶: ج ۲، ص ۴۱۸). عده آنها هفتاد مرد بود و در میان آنها دو زن به نام نسبیبه بنت کعب و اسماء از بنی سلمه بودند(ابن اثیر، ۱۳۸۵: ج ۲، ص ۹۹).

عباس عموی پیامبر که همراه حضرتشان بود، در آغاز گفت: ای قوم خزرج (در آن هنگام مکیان دو طایفه خزرج و اوس را یکی پنداشته و آنها را خزرج می خواندند) چنان که می دانید محمد میان ما گرمی و مصون می باشد و او خواست به شما ملحق شود؛ اگر شما چنان که تصمیم گرفته اید به وعده خود وفا کنید و از او دفاع و حمایت نمائید این شما و این آینده او. و اگر گمان می برید که او را تسلیم (دشمن) خواهید کرد، پس هم اکنون او را رها کنید که در عزت و امان باشد(همانجا). البته عده ای از محققان در این که این سخن گو، عباس عموی پیامبر بوده باشد تردید کرده اند؛ زیرا او هنوز مشرک بوده و بعدها در جنگ بدر علیه سپاه اسلام جنگید(جعفر مرتضی، همان: ص ۱۲۸). در ادامه، اهالی یثرب رو به پیامبر کرده و گفتند: تو ای پیامبر خدا! برای خود و خدای خود از ما هر چه می خواهی، بگو. پیامبر سخن گفت و قرآن خواند و به اسلام تشویق کرد. سپس گفت: شما از من چنان باید حمایت و دفاع کنید که از فرزندان و زنان خود دفاع می کنید. بعد از آن بود که براء بن معرور دستپیامبر(ص) را گرفتوگفت:

به خداوندی که تو را برحق فرستاد، ما از تو مانند دفاع از فرزندان (و خانواده) خود دفاع خواهیم کرد. و این گونه انصار به مدافعان پیامبر تبدیل شده و چه رشادت ها و جانفشانی هایی برای اسلام انجام دادند. بعد از بیعت، برخی از انصار ترسیدند که مبدا آنها از پیامبر دفاع کنند، اما پس از پیروزی، پیامبر به میان قوم خود برگردد و آنان را رها کند؛ ابو الهیثم بن تیهان خطاب به پیامبر گفت: ای پیامبر خدا میان ما و مردم رشته های (اجتماعی و زندگانی) پیوسته اگر خداوند تو را پیروز کند و تو میان قوم خود برگردی و ما را به حال خود بگذاری چه خواهیم کرد؟ پیامبر تبسمی فرموده

گفت: «بل الدم الدم والهدم الهدم، أنتم منى و أنا منكم، أسالم من سالمتم و أحارب من حاربتهم»؛ خون به دنبال خون و ویرانی در پی ویرانی خواهد بود (مقصود مقابله و معامله به مثل است) شما از من و من از شما، با هر که جنگ کنید جنگ می‌کنم و با هر که صلح و مسالمت کنید صلح می‌کنم (همان:ص ۱۸۱). در پایان پیامبر دوازده نفر از آنان را به عنوان نماینده خود و مسئول امور انصار پذیرفت: «دوازده نقیب برگزینید که به کار قوم خویش پردازند» و سپس به آنها گفت: «بر کار قوم خویش هستید و مانند حواریان عیسی بن مریم، سرپرست آنهاید، و من نیز سرپرست قوم خویشم» و آنها گفتند: «چنین باشد» (طبری، همان ج ۲، ص ۳۶۳).

نتیجه گیری:

تطور سیاسی اجتماعی یثرب در عصر جاهلیت به خصوص مقارن ظهور اسلام امر بسیار مهمی می باشد که تا کنون به صورت دقیق مورد بررسی قرار نگرفته است. اهمیت این امر از آنجا نشأت می گیرد که این دوران بستر ظهور اسلام می باشد. کار عمده و اساسی که اسلام پس از ظهور خود انجام داد، مردود دانستن بسیاری از سنن سیاسی اجتماعی عصر جاهلی و در عین حال سازگار کردن پاره ای دیگر از آنها با اصول و مبانی دین اسلام بود. در این مقطع از ظهور و بروز اسلام، با چالش های جدی مواجه گشته بود که در سایه آن سالیان متمادین دو قبیله اوس و خزرج در منازعات درونی به سر می بردند. رهایی از وضعیت موجود و نیز جلوگیری از اعمال نفوذ دوباره قوم یهود، دو عامل مهم و موثر در گرایش مردم یثرب به دعوت رسول گرامی اسلامی بود. البته وجود ضمیر پاک مردم این دیار بواسطه فعالیت اقتصادی که عمدتاً کشاورزی بود در این امر بی تاثیر نبوده است. از این روی، دو معاهده عقبه اول و دوم نقش تعیین کننده ای در مناسبات بعدی و تاریخ سیاسی اوس و خزرج که بعدها انصار نامیده شده ایفا کرد.

منابع و ماخذ:

قرآن

- ۱- ابن اثیر جزیری، علی بن محمد (۱۳۸۵)، الكامل فی التاریخ، ترجمه: سید محمد حسین روحانی، تهران، اساطیر.
- ۲- ابن حزم (۱۹۴۸)، اسماء الصحابه الرواه و مالک واحد من العدد، تحقیق سید کسروی حسن، دارالکتب العلمیه، بیروت.
- ۳- ابن سعد، محمد (۱۴۱۸)، الطبقات الکبری، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- ۴- ابن خلدون، عبدالرحمان (۱۳۶۶)، تاریخ ابن خلدون، ترجمه عبدالحمید آیتی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- ۵- ابن عبدالبر، یوسف بن عبد الله (۱۹۹۲)، الاستیعاب فی معرفه الأصحاب، تحقیق، البجاوی، علی محمد، بیروت، دار الجیل.
- ۶- ابن کثیر دمشقی، ابی الفدا الحافظ، (۱۴۲۸ق)، البدایه و النهایه، بیروت، مرکز الاشرق الاوسط الثقافی.
- ۷- ابن هشام، ابو محمد عبدالملک بن هشام المعافری، (۱۴۳۲ق)، السیره النبویه، تحقیق: محمد علی قطب، محمد الدالی بلطه، بیروت، المکتبه العصریه.
- ۸- جعفریان، رسول، (۱۳۸۷)، آثار اسلامی مکه و مدینه، تهران، مشعر.
- ۹- ----- (۱۳۸۶)، تاریخ سیاسی اسلام (ص) سیره ی رسول خدا، قم، نشر الهادی.
- ۱۰- ----- (۱۳۸۳)، تاریخ تحول دولت و خلافت، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- ۱۱- حموی (۱۳۹۵ق)، المعجم البلدان، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- ۱۲- سالم، عبدالعزیز (۱۳۸۳)، تاریخ عرب قبل از اسلام، ترجمه ی باقر صدری نیا، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۱۳- سمهودی، نورالدینعلی، (۱۹۵۵)، وفاء الوفاء باخبار دارالمصطفی، دارالکتب العلمیه، بیروت.

- ۱۴- شریف، احمدابراهیم، مکه و المدینه فی الجاهلیه و عهد الرسول.
- ۱۵- طبری، أبو جعفر محمد بن جریر(۱۳۸۷ق)، تاریخ الامم و الملوک(تاریخ طبری)، تحقیق، ابراهیم، محمد أبو الفضل، بیروت، دار التراث.
- ۱۶- عاملی، جعفر مرتضی(۱۴۱۵)؛ الصحیح من سیره النبی(ص)، بیروت، دار الهادی/ دار السیره.
- ۱۷- علی، جواد(۱۹۷۰)، الفصل فی التاریخ العرب قبل الاسلام، بغداد، جامعه بغداد.
- ۱۸- مقریزی، تقی الدین(۱۴۳۲)، امتاع الاسماع، تحقیق محمد عبدالحمید النسیمی، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- ۱۹- واقدی، محمد بن سعد(۱۹۸۹)؛ کتاب المغازی، تحقیق مارسدن جونس، بیروت، مؤسسه الاعلمی.
- ۲۰- ولفنسون (اسرائیل)(۱۹۲۷): تاریخ اليهود فی بلاد العرب، قاهره.
- ۲۱- یعقوبی، احمد بن یعقوب(۱۹۵۷)، تاریخ یعقوبی، بیروت، دار صادر